

انوار روش

برای منحصر به فرد ساختن کلاس های درس

نویسنده: دکتر جیمز دی. ساتن

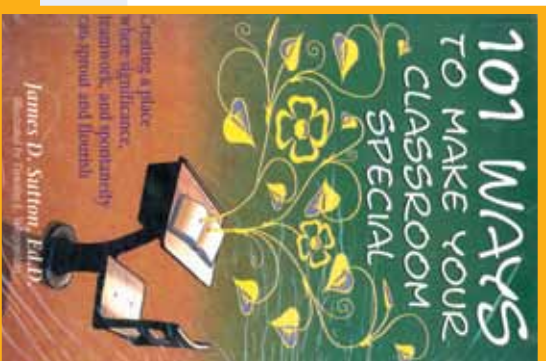
مترجم: نگار مجتفر



فک کتاب در یک نگاه

انتشاره

در دوره‌ی شانزدهم مجله، از مهر ماه ۹۱ تا این شماره، هفت بخش از سلسله مطالب «۱۰۱ روش برای منحصر به فرد ساختن کلاس های درس» را خواندید. اکنون در بخش پایانی با ارائه‌ی سه روش دیگر، تا روش شماره‌ی ۳۸ پیش خواهیم رفت و همان طور که ملاحظه می کنید هنوز به روش ۱۰۱ نرسیده‌ایم. از این رو انتشار «یک کتاب در یک مرحله» را در دوره‌ی هفدهم هم سعی خواهیم گرفت تا کل روش ها را حضوران معرفی کنیم. امیدواریم شما هم از این مطالب خوششان آمده باشد.



۳۲. مصاحبه‌ی زنده

از یکی از دانش آموزان بخواهید گوینده‌ی رادیوی کلاس باشد. برای مهمان برنامه نیز یک میزبان صحنی و میکروفون تهیه کنید. برای برنامه یک اسم انتخاب کنید و چند نامه از سوی مخاطبان، به پایگاه رادیویی تان بفرستید. گوینده روی خط می رود و مهمان برنامه را معرفی می کند. مهمان در مورد بزرگترین مشکلی که اخیراً برایش پیش آمده است، صحبت می کند. گوینده با شنوگران دعوت می کند تا پیشنهادهای خود را ارائه کنند. قسمتی از اتاق را به شکل منزل شنوگران، با چای و تلفن عمومی درآورید. دانش آموزان به نوبت تماس می گیرند و مهمان برنامه را راهنمایی می کند.

همچنین در روشی دیگر دانش آموزان تماس می گیرند تا با کارشناس برنامه در مورد مشکلات و نگرانی های خود صحبت کنند. این فعالیت موفقیت های خوبی برای بحث و تبادل نظر فراهم می آورد.

۳۳. فلک شناسی

به دانش آموزانتان بگویید که تصمیم دارید راهی به آن ها بیاموزید که در آن از روز و ماه تولدشان استفاده کنند و با کلمات طرحی احساسی ایجاد کنند. از لیست شماره‌ی یک، هر دانش آموز موظف است احساس مرتبط به ماه تولد خود را انتخاب کند و از لیست شماره‌ی دو، باید کلمه‌ی مرتبط به روز تولدشان را برگزیند. سپس روی یک برگ کاغذ باید داستانی بنویسند که در آن این احساسات و کلمات با هم ادغام شوند.»

لیست شماره یک

غمگین (ژانویه) / عصبانی (فوریه) / خوش حال (مارس) / افسوس (آوریل) / غمگین (مه) / عصبانی (ژوئن) / خوش حال (ژوئیه) / هراسان (اوت) / غمگین (سپتامبر) / عصبانی (اکتبر) / خوش حال (نوامبر) / هراسان (دسامبر)

لیست شماره دو

۱. پرچم / ۲. چکمه های کالجی / ۳. توپ / ۴. سه چرخه / ۵. تولد مسک / ۶. تقویم / ۷. سوئیچ / ۸. ماشین مسابقه / ۹. جوجه / ۱۰. گوشواره / ۱۱. ساعت زنگدار / ۱۲. بادکنک / ۱۳. بولبول / روز شکرگزاری / ۱۴. قف بستنی / ۱۵. اسکیت / ۱۶. گل آفتابگردان / ۱۷. چراغی های کریسمس / ۱۸. بچه گرگ / ۱۹. شال گردن / ۲۰. دسته چک / ۲۱. ماهی / ۲۲. یکشنبه / ۲۳. کتاب های درسی / ۲۴. غلای آماده / ۲۵. یونیفورم / ۲۶. ماشین چمن زنی / ۲۷. خودکار / ۲۸. کلهپون / ۲۹. لانه‌ی پرند / ۳۰. درخت / ۳۱. ساعت مچی

در ادامه نمونه‌ای از این داستان ها ذکر شده که مربوط به شخصی است که در ۱۶ روز، تولد شده است. اگر آفتابگردان عصبانی یا خشمگین:

می دونی؟ بعضی وقتا به نظر می رسه حتی به کل آفتابگردون هم نمی تونه به استراحت درست و حسنی داشته باشه. می خونی؟ من آفتاب رو خیلی دوست دارم، می ترم به روز تمام تحسینش کنم، اما به عالمه زبور روی صورتم راه می رود و پاهاتون رو می گازند. توی چشمم این طور به نظر می رسه که هیچ اهمیتی به یک گیاه سبکت کوش نمی دهند. گاهی اونقدر عصبانی می شم که تصمیم می گیرم توی کندهشون و توی راهشون چند تا خار بندازم، شاید اون موقع بفهمن که کارشون واقعا منو عصبانی می کنه.

این نمونه توب بیسبال خوش حال (برای سوم نوامبر) در شماره‌ی دسامبر ۱۹۹۰ خیرنامه‌ی «ریچینگ اوت» به چاپ رسیده است.

اما اگر من به چیز بسیار ارزشمند مثل روش درمان بیماری سرطان راوی این سی دی ذخیره کنم، چطور؟ آن وقت ارزش آن چقدر است؟
(خلی، خیلی بیشتر).

پس من بهتر از آن نگاه‌های خواهم کرد مگر نه؟ طور دیگری یا آن رفتار خواهم کرد.
سپس سی دی را بردارید، خاک آن را تمیز کنید و آن را روی میز قرار دهید.
پس هنگامی که این سی دی بر است و حاوی مطلق همچون درمان سرطان است، وزن آن چقدر است؟ در واقع، وزن آن همانند یک سی دی خالی است؛ چراکه به روشی که سی دی اطلاعات را ذخیره می‌کند، دانش، ارزش چیزی را بالا نمی‌برد. در این مرحله، از دانش آموزان بپرسید به چند روش می‌توان اطلاعات را روی یک سی دی ذخیره کرد؟ به چند مثال از دانش آموزان توجه کنید:

- فلکات (منون، همچون روش درمان سرطان)
- عکس
- پوشه‌های صوتی
- اعداد (حساب‌های بانکی و کارت‌های اعتباری)
- بازی

– آیا افراد شبیه این سی دی هستند؟ چگونه؟
(بله، آن‌ها هرچه بیشتر می‌آموزند، ارزشمندتر می‌شوند.)
– آیا می‌توانیم به دیگران در پر کردن سی دی‌شان کمک کنیم؟
(بله).

– آیا امکان دارد برخی افراد موزی، بخواهند اطلاعات سی دی‌های دیگران را پاک کنند؟
(بله).
– چگونه می‌توانند این کار را انجام دهند؟
(می‌توانند به کسی بگویند که احمق است، یا این‌که اهمیت کمی دارند. گاهی اوقات با سوءاستفاده هم می‌توان باعث پاک شدن قسمتی از اطلاعات مفید افراد شد.)

– آیا کسی که تمام یا قسمتی از اطلاعاتش پاک شده است، به مشکل می‌خورد؟ چگونه؟
(بله، احتمال دارد از اعتماد به نفسش کاسته شود و از این‌که ممکن است نتواند به خوبی همه چیز را بیاموزد بسیار نگران و هراسان شود. این نگرانی برایش وجود دارد که کسی بخواهد باقی اطلاعاتش را نیز پاک کند.

– چگونه می‌توانیم به این افراد کمک کنیم؟
برای این سؤال، دانش آموزان گسترده‌ی وسیعی از پاسخ‌های ممکن را ارائه می‌دهند. اما این فعالیت و این کمک‌ها باعث می‌شود افراد احساس امنیت بیشتری کنند و بدانند همیشه ما برای بالا بردن دانش‌شان به آن‌ها کمک خواهیم کرد.
* ایده‌ی این فعالیت را گانا سالزوری، ساکن دره‌ی پشت در کالیفرنیا مطرح کرده است. گانا، دستیار سخنان و رئیس سابق مؤسسه‌ی سخنران ملی است.
نشانی و فعالیت آخر در این بخش، دانش آموزان را تشویق می‌کند تا از ایده‌ی «یادگیری تنها برای یادگیری» فراتر روند و سعی کنند مهارت‌های درک دیگران و اهمیت دادن به آن‌ها را به کار ببرند.

این جعبه خیلی تاریک است. کاشکی من می‌تونستم برم بیرون و هوا بخورم. به نظرم به نور داره میله توی اتاق وسایل. آره رفیقاً همینطوره. شاید امروز نور برگ منه. حتی فکر این بازی مهم منو خوش‌حال می‌کنه. ولی خدای من، یکی داره جعبه‌ی منو برمی‌داره و منو از اتاق بیرونه.

مری که سیاه پوشیده، جعبه رو باز می‌کنه و منو بیرون میاره. چراغ‌ها می‌درخشند و فریاد خوش حالی همه جا شنیده می‌شه. مرد سیاه‌پوش با احتیاط از حالی که منو توی کیف سیاهش جا داده، در طول زمین حرکت می‌کنه. او به محل مورد نظر می‌رسه، منو با دستش می‌گیره، بلند می‌کنه و در دستان استاد بازی قرار می‌ده.
او با مهارت کافی، منو به هوا پرتاب می‌کنه تا به سوی دست‌کنی که آن سوی زمین منتظر است، بروم. من فشار از شغف هستم. هرچه بیشتر از مسابقه می‌گذره، شادی من مضاعف می‌شه و فریادهای خوش حالی با اشتیاق گرفتن استاد بازی بیشتر می‌شه. در نهایت، بازی به پایان می‌رسه و من می‌فهمم در سیمین بیروزی بران را زان. نقش دلقام، عالی بود. مگر نه؟ آخرین نمونه، پرچم هراسان (که مربوط به اول اوت است) در همان خیرنامه به چاپ رسیده است. توفان‌های صحرایی را به یاد می‌آورید؟

من در گذشته دارای اعتماد به نفس و جسور بودم. همیشه در جریان بلا حرکت می‌کردم. قرمز، سفید و آبی... می‌دانم که برای کشورم، آزادی و مردم سالاری استفاده کردم. همیشه مورد احترام بودم و به من اهمیت می‌دادند. اما اکنون این امر کمی تغییر یافته است و من می‌ترسم، به‌جای احساس اعتماد به نفس، من نادیده گرفته شدم و نمی‌دانم چه بر سر من خواهد آمد.

من خودم را می‌بینم که تا این شاول‌های لی دوخته شدم. در سراسر جهان، سر من جنگ و ستیزه وجود دارد. حتی برخی دوستان من به آتش کشیده شده‌اند. در گذشته، پرچم بودن در دسری، نماد است اما اکنون خطرناک است. امروز از من خواستند به کشوری بروم که در آن وقوع هر اتفاق، ناگواری محتمل است.

شب‌ها نمی‌توانم بخورم و همواره نگران سروشتم هستم و به آن می‌اندیشم. صحرانار و پود ما خشک خواهد کرد. زخمی را خواهد برد و ما زیر ماسه مدفون خواهیم کرد. ممکن است به من شلیک شود و سوراخ شوم و هرگز به خانه بازنگردم. اجساد من مشابه این اتفاقات را در جنگ‌های پیشین تجربه کرده‌اند. بنابراین من نیز باید مسئولیت خود را انجام دهم.

اما صافانه بگویم، ترسیدم.
* توپ بیسیمال خوش حال را تخمیس مو از لاورنای تگراس نوشته است. طرح پرچم هراسان را جسیکا استار، مشاور مدرسه‌ی ابتدایی کمبریج، در سن آنتونیوی تگراس ارائه داده است.

۳۸. آیا دیسک پر شده است؟

این ایده در مرحله‌ی اول برای نشان دادن ماهیت دانش است اما هم‌چنین می‌تواند به ما ارزش دیگران را یادآوری کند. به دانش آموزان یک سی دی را نشان داده و آن‌ها را در بحث شرکت دهید:

- بچه‌ها، چی توی دست منه؟
(یک سی دی).
- اگه این سی دی خالی باشه، قیمتش چقدره؟
(حدود ۳۵۰ تومان).
- پس این سی دی تقریباً بی‌ارزشه، درسته؟
برای تأثیر بیشتر، سی دی را به انشام روی زمین بیندازید و «تصادفاً» پایتان را روی آن بگذارید.

– پس سی دی خام وزنی حدود چند گرم داره، خیلی نیست؛ تقریباً معادل ۳ ورق کاغذ و یک پاکت.